

درآستانه اجلاس سوم نیروهای کمونیست و چپ

شده است، تا بینند پیازدو سال، سرانجام، این تلاش مشترک به جای خواهد رسید یانه. چرا که تصمیمات این اجلاس، تعیین کننده لاقل یک دوره از تلاش های وحدت طلبانه خواهد بود. نتایجی که این اجلاس به آن دست خواهد یافت به ویژه با درنظر گرفتن اوضاع سیاسی در ایران، حائز اهمیت جدیست. به نظر می رسد که اکنون همگان اذعان دارند که با عمیق تر شدن بحران سیاسی در ایران و تحولات منطقه ای، چپ انقلابی باید هرچه سریع تر خود را مستشكل کند و به یک نیروی تاثیرگذار تبدیل شود. انجام این وظیفه اما با روندی که کار ما به ویژه در پی اجلاس دوم با آن روپرور بوده است، ممکن نیست. نظری کوتاه به مسیری که در طول این دوسال طی شده است، این حقیقت را به خوبی نشان می دهد.

صفحه ۳

(به اشغال عراق پایان دهد، سر بازان ارتش را به خانه برگردانید)

نژدیک به دو ماه مجدداً جورج بوش بر پرده تلویزیون های آمریکا و جهان ظاهر شد و شکست و سرنگونی فطیعی دیکتاتور عراق را اعلام نمود. اکنون نژدیک به ۵ ماه است که سراسر خاک عراق تحت اشغال نظامی ارتش اشغالگر امپریالیست هاست و نه تنها هیچ خبری از برقراری دمکراسی و بازگشت سربازان مهاجم به خانه های خود نیست بلکه در چند روزگذشته نیز افکار عمومی جهان و پذیرش تجاوز نظامی این خوان تعداد بیشتری از سربازان آمریکایی به

صفحه ۶

دراین شماره

پاسخ به سوالات

۱ اخباری از ایوان
۲ اخبار کارگری جهان

جناح های جمهوری اسلامی و مجلس هفتم

چپ رادیکال چنانچه بخواهد نقشی شایسته را در تحولات آتی ایران ایفا کند، چاره ای ندارد جزاین که به صورت یک جریان متشكل قوی، با برنامه ای رادیکال که هدف آن دگرگونی هایی ژرف در ایران است، درصده مبارزات طبقاتی ظاهر شود. گام های نخستین، در این زمینه برداشته شده اند. بخش قابل ملاحظه ای از چپ کمونیست ایران آمادگی خود را برای شکل دادن به اتحادی که هدف آن سرنگونی جمهوری اسلامی واستقرار حکومت کارگری و دولت شورایی است، اعلام نموده است. اکنون زمان تصمیم قطعی برای شکل دادن به این اتحاد فرارسیده است. در آینده ای نژدیک، سومین اجلاس نیروهای چپ و کمونیست تشکیل خواهد شد تا تصمیم اعلام اکنون چشم های بسیاری حتا خارج از نیروهای این نشست به تصمیمات آن دوخته

دستگاه های اجرایی جمهوری اسلامی خود را برای به روی صحنه آوردند یک مضمونه دیگر به نام "انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی" آماده می کنند. این مضمونه قرار است در اسفند ماه آینده انجام شود. در این مضمونه نیزه اند تمام دیگر به اصطلاح انتخاباتی که جمهوری اسلامی در طول ۲۵ سال گذشته برگزار کرده است، تنها دو جناح اصلی اش حق شرکت دارند. تا اینجا هیچ پدیده نوینی در کار نیست. تنها نکته این است که تضاده ای جناح های جمهوری اسلامی به چنان حدی رسیده است که حالا جناح مسلط می خواهد با توجه به بازاری چون شورای نگهبان جلوی ورود برخی از عناصر جناح رقیب یا جبهه دوم خرد را به مجلس هفتم بگیرد. در واقع همان اتفاقی که برای نیروهای سیاسی غیر حکومتی در دور اول مجلس شورای اسلامی افتاد حالا دارد برای یکی از جناح های حکومتی اینکار ناشدنی در ایجاد وضعیتی دارند که اکنون خود در آن گرفتار آمده اند.

انتخابات مجلس هفتم در حالی تدارک دیده می شود که روزبیست و یکم مرداد شورای نگهبان "لایحه اصلاح قانون انتخابات" را رد کرد. دوم خرداد ها که می خواستند با تصویب این لایحه در واقع نظارت استصوابی شورای نگهبان را به هیئت های اجرایی وزارت کشور منتقل کنند و شناسخویش را برای حفظ حضور در مجلس هفتم در سطح مجلس کنونی بیشتر کنند، در به سرمنزل مقصود رساندن این پروژه ناکام ماندند. خاتمه کاین لایحه را به مجلس برد، پیش از روش توسط شورای نگهبان، گفته بود که آن را به مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد فرستاد تا "خدای ناکرده" این شانسی به پیش نیاید که وی می خواسته لایحه ای ضد مقررات اسلام به تصویب برساند. از آن پس کشمکش های بین دو جناح بر سر هیئت های اجرایی زیر نظارت وزارت کشور و دفاتر نظارتی شورای نگهبان بالا گرفت و هر یک دیگری را غیر قانونی اعلام نمود. به نظر نمی

صفحه ۲

محاجه نشریه کار با تعدادی از فعالین ذهن نشست مشترک (قسمت آخر)
(ضمیمه نشریه کار)

جناح‌های جمهوری اسلامی و ...

خبری از ایران

* اعتضابات و اجتماعات اعتراضی کارگری در شهر بافق

کارگران و کارکنان شهرداری بافق یزد، در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه حقوق و مزایای خود، روز شنبه ۲۹ شهریورماه دست از کار کشیدند و در محل شهرداری این شهر، دست به تحصن زدند. به دنبال آن کارگران معدن سرب و روی کوشک نیز که بیش از چهارماه است دستمزدهایشان پرداخت نشده است، در اعتراض به این مسئله، دست به اعتضاب و تجمع اعتراضی در خیابان وحشی بافقی زدند و ضمن مسدود ساختن این خیابان، خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند. اعتضابات و اعتراضات کارگری در شهر بافق که در آستانه ورود کروبی رئیس مجلس بهاین شهرآغاز شدته بود، علی رغم غیرقانونی خوانده شدن آن ازسوی "شورای تامین" شهرستان بافق و علی رغم تهدید اعتراض کنندگان، به مدت چند روز ادامه یافت و در فضای متشنج و اعتراض‌آمیز شهر، فرمان‌دار و سایر مقامات شهر بافق، نتوانستند کسی را برای استقبال از کروبی بسیج کنند. روز سه شنبه اول مهر ماه نیز، کارگران بار دیگر دست به اعتراض و تظاهرات زدند. و بالاخره روز چهارشنبه دوم مهرماه نیز کارگران همراه با اعضاء خانواده خود، در سطح شهردست به تظاهرات زدند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. اقدامات اعتراضی کارگران، با حمایت و همراهی بسیاری از اقتشار مردم همراه شد.

* اجتماع اعتراضی کارگران صنایع فیروزه

کارگران شرکت صنایع فیروزه الکتریک نیشابور، در اعتراض به وضعیت حقوقی و معیشتی خود، صبح روز چهارشنبه ۲۶ شهریور، در برابر فرمانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران ضمن اعتراض به انعقاد قراردادهای موقت، خواستار پرداخت فوری حقوق های عقب افتاده خود شدند. شایان ذکر است که کارگران این شرکت، از اول سال جاری دستمزد نگرفته اند و مراتب اعتراض خود رادر نامه ای خطاب به خاتمی نیز اعلام داشتند.

اما بعید است که در این کنگره هم اتفاق خاصی رخ دهد و تصمیم غیرمنتظره ای گرفته شود. احتمالاً مسؤول شاخه سمتان جبهه مشارکت نیز در کنگره مذکور شرکت خواهد کرد. وی روز شش مهر به ایسنا گفت: "۳۰ تا ۴۰ درصد از مهره‌های کم اهمیت اصلاح طلبان به مجلس هفتم راه پیدامی کنند." به عبارت دیگر دوم خردادی‌ها از همین الان می‌دانند که ۷۰ تا ۶۰ درصد مهره‌هایشان از قبل آرمین و نبوی وغیره رد صلاحیت خواهند شد و درنتیجه در مجلس هفتم حضور نخواهند داشت، با این حال بعید است که دوم خردادی‌ها مثلاً تصمیم به تحریم انتخابات مجلس هفتم بگیرند. مگر آنان سردوترین و بی‌رمق ترین انتخابات جمهوری اسلامی را که انتخابات مجلس خبرگان رهبری است تحریم کردن که حالا از ورود ۳۰ تا ۴۰ درصد از مهره‌های کم اهمیت هم که شده چشم پوشی کنند. مسئله دیگری که جناح‌های جمهوری اسلامی باشدت بیشتری تا انتخابات مجلس هفتم با آن مواجه هستند، هماناً وضعیت بین‌المللی رژیم و به ویژه افزایش فشاریه‌آن در رابطه با تجهیزات اتمی اش است. معلوم نیست که آیا جمهوری اسلامی تا روز نهم آبان الحاقیه پیمان منع تولید سلاح‌های اتمی را مضاء خواهد کرد یا نه؟ اگر جمهوری اسلامی از امضای این الحاقیه سرباز زند، بنا بر گفته البرادعی، رئیس آژانس امنیتی اتمی، پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع خواهد شد تا تصمیماتی درجهت تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه آن گرفته شود. بدیهی است که سیر تحولات در این زمینه نیز بر صفتندی‌های کنونی رژیم و جناح‌هایش در رابطه با مسائل داخلی و از جمله انتخابات مجلس هفتم تاثیرات معنی خواهد گذاشت. احتمال این که وضعیت بین‌المللی رژیم و خیم ترازاکتون شود بسیار بالاست و در نتیجه امکان حذف کامل دوم خردادی‌ها از مجلس هفتم به بهانه‌هایی چون "مقابله یک پارچه در برابر دشمن" و از این قبیل نیز کم نیست.

یک بار دیگر انتخابات و در واقع مضکمه انتخاباتی در جمهوری اسلامی به یکی از مهم ترین معضلات آن تبدیل شده است. این معضل ربطی به مردم ایران ندارد، نه فقط دوم خردادی‌ها که جناح رقیب شان هم این را می‌داند، متنها اولی به گفته محمد رضا خاتمی داغدغه شرکت ۳۵ تا ۳۵ میلیونی در انتخابات مجلس هفتم را دارد و دومی به شرکت ۵ میلیون نفر و تکرار انتخابات دومین دور شوراهای اسلامی شهر و روستاهم راضی است. اما به هرحال مجلس هفتم با هر ترکیبی که شده نمی‌تواند در سرنوشت رژیم را به زوال جمهوری اسلامی تغییری ایجاد کند.

رسد که چالش رد لایحه اصلاح قانون انتخابات و قانونی بودن یا نبودن این یا آن صافی نامزدها تا برگزاری انتخابات مجلس هفتم کاهش یابد یا به نوعی حل و فصل شود. اما سوای این ها چالش های دیگری نیز در رابطه با مجلس هفتم پدید آمدند.

این روزها صحبت هایی در مورد یک "جبهه مستقل اصلاحات" می‌شود. سعید شريعیتی، از اعضای شورای مرکزی مشارکت اسلامی روزششم مهرماه به ایسنا می‌گوید که "ما هیئت این جبهه" بی اطلاع است. اما رسول منتخب نیا، عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز، که پیش‌تر تشکیل این جبهه را اعلام کرده بود و تشكلش از اعضای هجده گانه جبهه دوم خرداد است، اصرار دارد تا وانمود کند که این جبهه مستقل اصلاحات قصد تعیین شکاف جبهه دوم خرداد را ندارد و هدف آن را "قوی تر و منسجم تر" ساختن جبهه دوم خرداد" بیان می‌کند. اما ظواهر امر نشانگر آن است که مجمع روحانیون مبارز با کوشش برای شکل دادن به چنین جبهه ای قصد دارد تا حساب خود را با دیگر تشكیلات دوم خردادی و به ویژه جبهه مشارکت جدا کند یا این که ابتكار عمل را بیشتر در دستان خود متمركز نماید و همچنین شانس بیشتری برای حضور عناصر خود در مجلس هفتم دست و پا کند. برخورد نرم و بدون هیاهوی روزنامه های بیت خامنه ای به "جبهه مستقل اصلاحات" از همین تصور نماید که جبهه دوم خرداد را به سوی اضمحلال بکشاند و آن را متزوی کند و هم عناصر بی درد سری چون کروبی را به مجلس هفتم بفرستند که هیچ گونه ضرر زیانی به یک پارچه کردن حکومت اسلامی در این مجلس نمی‌رساند.

جبهه دوم خرداد و بمویزه مشارکتی ها خوب بهاین مسئله و افشداند که هر روز که به موعد انتخابات مجلس هفتم نزدیکتر می‌شوند امکان حضور محدود تر شان در آن بیشتر می‌شود. برای همین، اکنون شروع به پرتتاب توپ‌هایی کرده اند که توانایی بودنشان بر طبق تجربه شش ساله گذشته برای همگان روشن شده است. محمد رضا خاتمی، دبیر کل جبهه مشارکت روز دوم مهر، هنگامی که از تشكیل ستاد انتخاباتی جبهه مشارکت سخن گفت و این که ستاد انتخاباتی به معنای شرکت در هر شرایطی در انتخابات نیست توپی از این توپ‌ها را پرتاب کرد. وی گفت که کنگره بیست و پنج مهر جبهه مشارکت "تصمیم‌اصلی در مرور نحوه حضور جبهه مشارکت" در انتخابات را خواهد گرفت.

خبری از ایران

* اعتراض در ایران خودرو

به دنبال فوت یک کارگر ۲۵ ساله در یکی از سالن های مونتاژ ایران خودرو که در شیفت شب مشغول به کاربود، کارگران این کارخانه دست به اعتراض و اعتراض زدند. این کارگر جوان که برادر شدت کار، دچار سردرد و سپس بیهوش شده بود، جان خود را لذت داد و به صفات بیوه و بی شمار قربانیان نظام بهره کشی و سودجویی سرمایه داران پیوست.

در ایران خود رو، مانند بسیاری از کارخانه های دیگر، فشارکار بیش از گذشته تشدید شده است. در این کارخانه هم اکنون شیفت شب کاری اجباری است. کارگران جمعه ها را نیز باید کار کنند و در تمام طول یک شیفت کار فقط ده دقیقه استراحت دارند. با این همه حتا حقوق کارگران نیز به موقع پرداخت نمی شود.

کارگران اعتراضی نسبت به این مسئله شدیدا اعتراض دارند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود هستند.

* تجمع اعتراضی کارگران شهرداری بناب

حدود یک صد تن از کارگران قراردادی و اخراجی شهرداری بناب، در برابر ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع زدند. اعتراض کنندگان خواستار پرداخت دوماه حقوق و مزایای عقب افتاده خود و بازگشت به کار شدند. شهردار بناب اظهار امیدواری کرد، با همکاری فرمانداری، به تعهدات خود در این زمینه در اسرع وقت عمل کند.

* اجتماع اعتراضی کارگران چاپ

بیش از ۵۰ تن از کارگران دوچاپخانه "آرمن چاپ" و "چاپ گستر" که چاپ روزنامه "جام جم" را بر عهده دارند، روز یکشنبه ششم مهر، در اعتراض به عدم پرداخت بدھی روزنامه "جام جم" دست به تجمع زدند و حتا از ورود خودروهای مسئولین روزنامه نیز جلوگیری کردند. شایان ذکر است که روزنامه "جام جم" مبلغ ۲۰ میلیارد ریال بابت چاپ این روز نامه، به هفت چاپخانه: چاپ گستر، کاج، محمد، سی جز، پیشگامان، نور حکمت و آرمن چاپ بدهکار است. گفته می شود که سه چاپ

درآستانه اجلاس سوم نیروهای کمونیست و چپ

بتوان باطریداران حکومت کارگری متعدد شد و از سوی دیگر وارد ائتلاف با جریانات بورژوازی شد و شعارهای بورژوازی را سرداد. بیانیه سیاسی اجلاس نخست بیان فشرده ای از همین موضع بود. لذا تعجب آور نبود که با واکنش خشمگینانه چپ های لیبرال رفمیست رو برو گردد.

چپ انقلابی در اجلاس مشترک نخست خود گامی بزرگ به پیش برداشت و با انتشار بیانیه سیاسی، مربوط به صریح و روشن خود را با تمام جریانات بورژوازی اعلام نمود. اما هدف صرفا این نبود که یک مربوط بندی اعلام شود. بلکه هدف، "دخلت فعال در مبارزه طبقاتی بر مبنای این خط مشی به نفع طبقه کارگر و دگرگونی های انقلابی در ایران بود. اما انجام این وظیفه بدون شکل گیری یک اتحاد مشخص، بر تامه عمل مشخص، چارچوبها و ضوابط همکاری معین و لااقل تعیین اصلی ترین روشها و شیوه های مبارزه ممکن نبود. اجلاس نخست فرست پرداختن به این مسائل را نداشت. لذا این وظایف در برابر اجلاس دوم قرار گرفته بود. اجلاس دوم اما نشان داد که ادامه اجلاس نخست نیست و به هیچیک از وظایفی که در برابر خود داشت عمل نکرد. نتیجه این بی عنی و بلا تضمیمی اجلاس دوم، در جازدن در همان جایی است که اجلاس اول برگزار شد. طبیعی است که در چنین شرایطی، همه از وضعیت پیش آمده ابراز نارضایتی کنند و خواهان تعیین تکلیف قطعی گردند. این وظیفه مهم در برابر اجلاس سوم قرار گرفته است. این اجلاس قطعاً نمی تواند ادامه اجلاس دوم باشد. تنها هنگامی می تواند یک اجلاس موفق باشد که کار اجلاس نخست را به سرانجام برساند و به وظایفی که اجلاس دوم نتوانست انجام دهد، پاسخ صریح و روشنی بدهد.

نیروهایی که در نشست مشترک حضور دارند برای این که بتوانند تلاش های خود را به سرانجام برسانند و به یک اتحاد در عمل شکل دهند، ضروریست که مسئولانه با موانعی که برسر راه این اتحاد است برخورد کنند و این موانع را از سر راه بردارند. این حقیقتی است روش که هیچ جریان سیاسی نمی تواند بدون داشتن یکپلتافرم و برنامه عمل مشخص در مبارزه طبقاتی دخالتی داشته باشد. ما

اجلاس نخست به تمام معنا یک اجلاس موقبود و کارنامه درخشانی به جنبش عرضه داشت. موقعیت این اجلاس چنان بود که حتا برخی از نیروهایی که به عنوان ناظر در آن حضور یافته بودند با دیدن دست آوردهای اجلاس، پیوستگی خود را به آن اعلام نمودند. تصمیمات این اجلاس شور و اشتیاق وسیعی را در میان همه نیروهای کمونیست و چپ برانگیخت. اما دست آورد این اجلاس صرفا در این نبود که رادیکال ترین نیروهای جنبش ما، قصد خود را برای شکل دادن به یک اتحاد اعلام می کردند، بلکه انتشاریک سند سیاسی بود که آلترا ناتیو کارگری را در برابر آلترا ناتیو بورژوازی قرار می داد. بیانیه سیاسی اجلاس نخست، یک ارزیابی عینی از اوضاع سیاسی ایران و روند تحولات ارائه داد که صحت این ارزیابی را وقایع دو سال گذشته نشان داد. این بیانیه بر چهار نکته محوری تاکید داشت که آن را از تمام جریانات راست و میانه تمایز می ساخت. این یک مربوط بندی صریح، مشخص و عملی بود که اگر به همین چند ماه گذشته نظری بیافکتیم، اهمیت خود را در جریان تظاهرات توده ای اوائل سال جاری نشان داد. بورژوازی با طرح شعار رفراندوم و مجلس موسسان، برای به دست گرفتن رهبری این جنبش وارد صحنه شد. با طرح این شعارها حتانیروهایی را که ادعا می کردند خواهان سوسیالیسم و حکومت کارگری هستند، اما شعار مشخص شان رفراندوم و مجلس موسسان بود کامل خلع سلاح کرد و آنها را ناگزیر ساخت که پشت سر بورژوازی به صفت شوند. تنها نیروهایی که به درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی واستقراریک نظام شورایی در ایران باور دارند، می توانستند در برابر این تعرض بورژوازی و شعارهای آن، ایستادگی کنند و از استقرار یک حکومت کارگری دفاع کنند. هر چه بحران سیاسی عمیق تر می شود و مبارزه طبقاتی تشید می گردد، اهمیت مصوبات اجلاس نخست بیشتر آشکار خواهد شد.

این تشید روند مبارزه طبقاتی هیچ راه میانهای باقی نخواهد گذاشت. برخی جریانات سیاسی که سال ها میان دو صندلی نشسته بودند، ناگزیرند به دو دوزه بازی خود پایان دهند و در یک صفت بندی معین قرار گیرند. دیگر دوران آن سپری شده است که از یک سو

آمریکا درگیر جنگ در عراق شد و با افزایش سرسام آور هزینه‌های نظامی، مردم این کشور، شاهدکاهش آشکار و فاجعه باره زینه‌های خدمات آموزشی بود. این اعمال فشار به میلیون‌ها کارگر و معلم شاغل در مراکز آموزشی نمی‌توانست مدت زیادی دوام آورد و در همین راستا شاهد هستیم که در ۲۰۲۰ ماه اخیر موج گسترده‌ای از اعتراضات و اعتراضات مراکز آموزشی سراسر این کشور را در بر گرفته است. این موج اعتراضی با اعتراض معلمان آغاز شد. در هفته‌های اخیر روزی نیست که خبری درمورد اعتراض معلمان در مناطق مختلف آمریکا در روزنامه‌ها به چشم خورد. با ادامه و گسترش اعتراض معلمان در اوایل تابستان نوبت به مراکز آموزش عالی رسید که کارگران و کارگران آن‌ها یک صدا خواهان افزایش حقوق و بهبود شرایط رفاهی خود شدند. اولین اعتراض در دانشگاه Yale آغاز شد که بیش از ۴ هزار نفر از کارکنان و کارگران در اوایل ماه اوت وهم زمان با بازگشایی این دانشگاه، کارها را تعطیل نموده و خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شدند. این اعتراض اکنون وارد چهارمین هفته خود شده و به رغم تلاش‌های مکرر مقامات دولت و نمایندگان اعتضابیون، هنوز نشان مشخصی از خاتمه آن نیست. در این میان دانشجویان دانشگاه های آمریکا نیز در پی رشد نارضایتی عمومی به موج اعتراضات پیوسته و در اعتراض دانشگاه Yale دانشجویان با تشکیل کمیته‌های همبستگی به یاری اعتضابیون شتابتند و در مبارزات روز مرد آنها فعالانه شرکت کردند. اعتراض دانشگاه Yale با سرکوب شدید پلیس مواجه شد. به ویژه روسایی دانشگاه تلاش‌دارند که از گسترش این اعتراض به دیگر دانشگاه‌های آمریکا جلوگیری کنند. نتیجه این که در این مدت صدها نفر توسط ماموران پلیس دستگیر و روانه زندان شدند. اما سرکوب پلیس نتوانست از گسترش این مبارزه جلوگیری کند و اکنون بیش از ۳ هزار نفر از کارکنان و کارگران دانشگاه Miami دست به اعتراض زده اند و خواهان افزایش دستمزدها و بهبود شرایط رفاهی خود هستند. این اعتراض وارد اولین هفته خود شده است و در اینجا نیز حضور دانشجویان در میان صفوی اعتضابیون چشمگیر است. قرائناً امر همه حاکی از این است که اعتراضات در مراکز آموزشی آمریکا گسترش بیشتری خواهد یافت. علاوه بر این مبارزات معلمان هم ادامه دارد. این اعتراضات تنها نشانگر گوشه‌ای ازنا رضایتی رو برداشتند میلیونها نفر در این کشور است.

صفحه ۵

سونیسی در یک راهپیمایی و تجمع اعتراضی بر روی پلاکاردهای خود نوشتند. در این کشور نیز صندوق دولت با یک کسری بودجه معادل ۳ میلیارد دلار روبروست و تمامی احزاب ریز و درشت بورژوا که سالهای است در پارلمان جا خوش کرده‌اند هم‌صدا با سردمداران دولت، تنها راه غلبه بر مشکل فعلی را کاهش باز هم بیشتر هزینه‌های تامین اجتماعی اعلام کردند. یکی از موارد مهم در برنامه صرف‌جویی دولت، کاهش هزینه‌های مربوط به بازنیستگی کارگران است که باید مبلغ معادل یک میلیارد دلار را به صندوق دولت بازگرداند. با این اوصاف پارلمان نشینان در تلاش که سن بازنیستگی را از ۶۵ به ۶۷ سال افزایش و حقوق بازنیستگی را کاهش دهند. کار اما به اینجا ختم نشده و دامنه این صرفه جویی‌ها به تعطیل ده ها مرکز کمک به مهاجران، ادارات کاریابی، مراکز آموزشی برای بیکاران و هزینه‌های بهداشتی و درمانی، گسترش یافت. در یک کلام سرمایه داران این کشور هم‌صدا با سرمایه داران در سراسر جهان به کارگران می‌گویند که شما باید تمامی آوردهای مبارزاتی خود در چندین دهه را به ما برگردانید. این همه بی‌شرمی اما قطعاً بی‌پاسخ نمانده و اعتراض روز ۲۱ سپتامبر را تنها باید نقطه آغاز مبارزه طبقه کارگر برای دفاع از دستاوردهای خود و پیشروی به سنگرهای جدید دانست. در این روز خیابان‌های شهر برن شاهد راهپیمایی بیش از ۳۵ هزار نفر بود که از سراسر سوئیس به این شهر آمدند و خواهان توقف فوری اقدامات دولت شدند. رهبران اتحادیه‌های کارگران در این روز اعلام نمودند که مبارزات کارگران در طول ماه سپتامبر تنها هشداری به دولت بوده و در صورت ادامه اقدامات سران دولت، اعتراضات کارگران نیز با ابعادی گسترش ده تر ادامه خواهد یافت.

* آمریکا

گسترش اعتراض در مراکز آموزشی

با روی کار آمدن نماینده راست ترین جناح جنگ طلب بورژوازی آمریکا، جورج بوش، به فوریت مشخص شد که شیوه هایی که دولت جدید برای پاسخ گویی به معضلات اقتصادی و اجتماعی این کشور اتخاذ خواهد نمود چیزی نخواهد بود جذامن زدن به جنگ‌های خارجی به منظور گسترش سلطه امپریالیسم آمریکا در دیگر نقاط جهان و هم‌زمان تشدید تبلیغات ناسیونالیستی در عرصه سیاست داخلی به نام مبارزه با "تروریسم" و در واقع برای مقابله با رشد نارضایتی عمومی از این سیاست‌های ویران‌گر. با این اوصاف و درگام نخستارتش

خبر کارگری جهان

* اعتراض عمومی در بنگلادش

روز ۱۶ سپتامبر دهها هزار نفر از کارگران بنگلادش به فراخوان اتحادیه کارگران فلزکار این کشور آری گفته و دست به یک اعتراض ۲۴ ساعته زدند. دولت بنگلادش در ادامه تلاش‌های خود مبنی بر گسترش خصوصی سازی‌ها، زیان‌دهی دهها کارخانه و موسسه تولید را بهانه کرده و طی یک اقدام بی‌سابقه و خودسرانه تعدادی از این کارخانه‌ها، از جمله بزرگترین کارخانه بافتگی و نساجی جهان، Adamjee، واقع در نزدیکی شهر داکا را تعطیل نمود. با این حرکت هزاران کارگر به یکباره به صفوی بیکاران پرتab شدند و بدون حداقلی از تامین اجتماعی به حال خود رها شدند. این اوضاع فلکت بار تاثیر مستقیم خود را ببرویه مبارزاتی کارگران گذاشت و اعتراض روز ۱۶ سپتامبر یکی از جلوه‌های این خشم فروخورده بود. کارگران اخراجی صدها کارخانه و موسسه تولیدی به فوریت با تشکیل "نماینده‌ای عمل" سازماندهی اعتراضات این روز را به دست گرفتند. شهرهای بزرگ این کشور، از جمله داکا، پایتخت بنگلادش، از اولین ساعت‌های بامداد شاهد حضور گستردگی هزاران کارگر اخراجی در خیابانها بود که با راهپیمایی مجدد کارخانه‌های شهرخواهان بازگشایی مجدد کارخانه‌های تعطیل شده بودند. مقامات دولت در وقت از گسترش مبارزات کارگران بیش از ۵ هزار نفر مامور پلیس را به خیابان‌ها فرستادند و مراکز اصلی شهر داکا را تحت کنترل کامل خود درآوردند. با این اعتراض سراسری تمام مدارس، ادارات و مراکز خصوصی و بخش دولتی، مراکز تجاری و حمل و نقل مسافران در شهرهای بزرگ به تعطیل کشانده شد. در بندر Chittagong، دولت دست به تهدید مستقیم کارگران زد و عده‌ای را به زور به سر کار فرستاد. اما کارگران اعتراضی به فوریت دست به تشکیل "گارد های کارگری" زدند و تمامی راههای اصلی راکه به مراکز صنعتی این بندر ختم می‌شد مسدود نمودند واز رود اعتراض‌شکنان به کارخانه‌ها جلوگیری کردند.

* دست دولت از حقوق بازنیستگی ما کوتاه!

این شعاری بود که بیش از ۳۵ هزار کارگر

مصاحبه نشریه کار با تعدادی از فعالین زن نشست مشترک (قسمت آخر)

و این موضوع از دستورکار نشست خارج است؟ اگر چنین است بهتر است صریح باشیم. کما این که در نشست اول در مدت بسیار کوتاهی کمیسیون زنان تشکیل شد و در نشست دوم باز هم در مدت کوتاهی این کمیسیون منحل شد و علل هیچ یک نیز معلوم نگشت. حال که به پرسش دوم می‌پردازم، پرسش اول جنبه دیگر به خود می‌گیرد. از خودمی‌پرسم: نشست در رابطه با مسئله زنان چه باید بکند یا زنان نشست در رابطه با مسئله زنان چه باید بکند؟ نکته دیگری که سؤال را تغییر می‌دهد، عدم حضورحتا یک مرد در جلسات زنان در نشست های اول و دوم است که فعالیت در رابطه با مسایل زنان را یک باره و بدون قرار قبلی کاملاً به عهده زنان گذاشته بودند. یعنی تقسیم کاری ناگفته و نانوشته بین مردان و زنان کمونیست و چپ در باره فعالیت در جنبش های اجتماعی در چارچوب یک تشکیل کمونیستی! براین نکته تاکید می‌کنم زیرا ممکن است به دلایلی در جاهای دیگر مردان نتوانند دوشادوش زنان فعالیت کنند، مثلاً در تشکل های زنان.

اما به نظرمن، نشست مشترک نیروهای کمونیست و چپ، همان گونه که از نامش بر می‌آید، گردهمایی نیرو های کمونیست و چپ است، یعنی آن چه که همواره فرض گرفته می‌شود: نیروهای آگاه و پیشرو، نیروهای خواهان سوسیالیسم و براندازی هرگونه استثمار طبقاتی، جنسی، نژادی، قومی، مذهبی و ... در یک کلام عدالت اقتصادی اجتماعی، سیاسی در همه ابعاد و زمینه‌ها و برای همه انسان‌ها در هر نقطه از جهان.

برخلاف گذشته که پرداختن به مسایل زنان امری بورژوازی و غیر سوسیالیستی و در بهترین حالت به عنوان سرگرمی زنانه تلقی می‌شد، امروزه بنا به دلایلی که پرداختن به آنها در این‌چند سطراپاسخ ممکن نیست، ذکر مسایل و خواسته‌های زنان و نام بردن از جنبش زنان در تمام اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها و ... امری متداوی شده است. اما این تا زمانی است که پای عمل در میان نیست. شاید گفته شود که این جلسه زنان بود و زنان باید خود سرنوشت خود را به دست گیرند و خواسته‌ای خود رامطرح نمایند و برای رفع ستم جنسی در جامعه تلاش نمایند.

این استدلال دو اشکال عمده دارد. اول، کمیسیون زنان نشست، کمیسیونی بود در باره مسایل زنان، نحوه فعالیت در این راستا و نقش کمونیست ها در جنبش زنان و نه جلسه یک سازمان زنان. پس مردان علاقمند نیز می‌توانستند شرکت کنند؟ کما این که مردانی را، چه در میان نیروهای مترقبی و چه در میان همان نیروهای ارتقای جامعه، می‌شناسم که در میانه مسایل زنان فعالیت می‌کنند و بهتر و بیشتر از بسیاری از زنان. دوم، اگر قرار است هر طبقه یا قشر یا نیروی اجتماعی خود سرنوشت خود را به دست گیرد و خواسته‌ای خود را مطرح نماید، می‌توان پرسید آیا تمام رفقای کمونیست، کارگر هستند که در جنبش طبقه کارگر شرکت می‌کنند؟ تردید دارم که همان تفکر سابق، یعنی پرداختن به مسایل زنان، امری غیر ضروری یا در بهترین حالت غیر سوسیالیستی است، هنوز در بسیاری از رفقا، مرد و زن، وجود نداشته باشد. چرا؟ چون جنبش زنان، جنبشی بورژوازی است؟ آیا جنبش کارگری در بسیاری از نقاط جهان تحت

نشریه کار با طرح این دو سؤال: نقش زنان در نشست نیروهای چپ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ نشست در رابطه با مسائله زنان چه باید بکند؟ گفتگوی کوتاهی با تعدادی از فعالین زن نشست مشترک انجام داده است. در این شماره پاسخ رفقا: اعظم، پروین نیک آئین و رها از نظر خوانندگان نشریه کار می‌گذرد.

اعظم:

پرسیده شده است نقش زنان در نشست نیروهای چپ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ این سؤال ابهامات زیادی دارد: نقش زنان در نشست های گذشته را؟ یا عموماً نقش زنان در احزاب، سازمان ها، گروه ها و این نشست خاص را چه در گذشته و چه در آینده؟ پرسش را چنین می‌خوانم: نقش زنان در نشست نیروهای چپ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ از دو جنبه می‌توان به این ارزیابی پرداخت، از نظر تعداد و از نظر دخالت گری زنان در سرنوشت نشست.

تعداد زنان شرکت کننده در نشست نسبت به مردان بسیارکم بود. عل آن هم تاحد زیادی مستقل از خود نشست است. اگر به پرسش این پاسخ رسید که چرا تعداد زنان فعال در سازمان ها و گروه های سیاسی چپ و کمونیست چنین اندک است؟ عل تعداد اندک شرکت کننده‌گان زن در نشست نیزتا حد زیادی روشن می‌شود. اگر روایی که در نشست دوم پیش رفت، در نشست سوم نیز ادامه یابد، به نظر من نه تنها خواهد توانست تعداد بیشتری، مرد یا زن، را به خود جلب کند بلکه حتاً خواسته از نیروهای خود را نیز از دست خواهد داد. براین باور هم نیستم که حتاً اگر نشست برنامه ای متحول و دگرگون تنها در زمینه مسایل زنان ارائه دهد، زنان بسیاری را به خود جلب خواهد کرد. زیرا که ابتدا بایست عضو شویست، یا هر نامی که به خود بگیرد با هر پانقرم و اساسنامه ای، شد و سپس در آن چارچوب در زمینه مسایل زنان فعالیت کرد. زیرا که اولین گام در جلب نیروها، زن یا مرد، بیانیه یا برنامه سیاسی کلی است و نه بنده خاص در این بیانیه یا برنامه.

در مورد فعلیت زنان در جلسات نشست، بایستی گفت که به طور نسبی، (با توجه به نسبت زنان به مردان) زنان در بحث ها فعال بودند هرچند بیشتر در بحث های مربوط به مسایل زنان و نه در بحث های سرنوشت ساز. و در بولتن ها نیز، این امر به خوبی روشن بود. اما نکته غافلگیرکننده: رفقای زنی نیز که در بحث های مربوط به مسایل زنان در جمع فعال بودند حتاً توانستند بین خود ارتباطی فراهم آورند تا در این زمینه که علاقه مشترک آنها بود به تبادل نظر بپردازند. درحالی که بسیاری از آنها در تشکل های زنان فعال هستند. و این پرسش موجه مطرح می‌شود که آیا این رفقا معتقدند که فقط در چارچوب تشکل های زنان بایستی به مسایل زنان پرداخت

ناشی از نظام طبقاتی است و امروز اقتصاد، سیاست و فرهنگ مسلط نظام سرمایه داری به آن تعین می بخشدند، پردازم. در این باره بسیار گفته ایم ، و محدود ماندن در قالب این بحث درست اما مجرد، به این سوال مشخص پاسخ نمی دهد که چرا علیرغم وجود جنبش بسیارگسترده زنان علیه تبعیض جنسی در ایران، سازمانهای سیاسی چپ این چنین با جنبش زنان بیگانه‌اند و چراتعداد قابل توجهی از زنان سوسیالیست از فعالیت متشکل سوسیالیستی جدا نانده اند.

همه می دانیم که حاکمیت ضد انقلاب اسلامی در ایران با سرکوب خونین جنبش های اجتماعی طبقه کارگر و سایر افشار رحمتکش و قلع و قمع سازمان های چپ همراه بود. شکست خونین چپ در نبرد نابرابر با مرتعین حاکم نه تنها به اعدام هزاران تن از زنان و مردان آگاه و انقلابی انجامید ، بلکه به پراکندگی در صفوں آن بخشی از نیروها انجامید که ازمه لکه جان سالم به در برداشت و عدم تنازع شدند ایران را ترک کنند. بخش وسیعی از فعالین چپ با فعالیت متشکل در چهار چوب سازمان های سیاسی وداع کردند. یا به افعال کامل گرائیدند. بخشی به عنوان چپ مستقل فعالیت را ادامه دادند . فعالیت متشکل این دسته، عمدتاً به فعالیت های دمکراتیک و به تعریف من فعالیت برای رفرم در نظام موجود محدود بود. طیف وسیعی که طی این سال ها از نیروهای متشکل سیاسی جدا شدند، هم در برگیرنده زنان و هم مردان بود. اما در رابطه با زنانی که از سازمان های سیاسی چپ جدا شدند، عامل دیگری نیز عمل می کرد. آنها نسبت به عدم توجه سازمانهای چپ به سرکوب زنان توسط جمهوری اسلامی و وجود بقاوی تفکر پدرشاهی و مردسالاری در روابط حاکم بر سازمان های سیاسی چپ معتبر بودند. این عامل سبب شد که طی تمام سال های گذشته رابطه سازمان های سیاسی موجود با زنانی که از سازمان ها کنده و اینک به طور عمد در تشکل های زنان فعالیت می کردند یک رابطه پرتنش، سرشار از سوء ظن و سنتیز و گزیز باشد. از یک سو تشکل های زنان در عین حال که بسیاری از زنان متشکل در آنها خود راوسیالیست می دانستند، نقطه ستیزشان سازمان های سیاسی چپ بود. از سوی دیگر سازمان های سیاسی چپ رابطه ای کینه توزانه با تشکل های زنان داشتند. حال آن که، رابطه با مردانی که همین روند را بیموده و درتشکل های دمکراتیک و یا به طور فردی فعالیت می کردند، از نوع دیگری است. طی تمام این سال ها تشکل های دمکراتیک خواه در دفاع از حقوق پناهندگان شکل گرفته باشد، یا برای آزادی زندانیان سیاسی وغیره، همواره به طور رسمی و غیر رسمی مورد حمایت سازمان های سیاسی چپ بوده اند و حتا اعضاء و فعالان جریانات چپ از جمله تشکیل دهنگان یا فعالان تشکل های دمکراتیک هستند. اما رابطه با تشکل های زنان و زنان مستقل چپ مسیر دیگری را می بیماید.

باگذشت زمان، بخشی از فعالان مستقل خواه زن، خواه مرد، راه خود را حتا به لحاظ آرمانی نیز از جنبش چپ جدا کردند و در جنبش اصلاحات - که الزاماً به معنای حمایت از جناح اصلاح طلب رژیم نیست اما در هر صورت جنبشی برای اصلاح نظام موجود است و نه تغییر آن - جای گرفتند. بخش قابل توجهی از فعالان چپ منفرد نیز با شرکت در اتحاد - هایی که طی سال های گذشته شکل گرفته و به طور مشخص "نشست مشترک" به فعالیت متشکل با همیت چپ روی آوردهند. هرچند که این فعالیت هنوزیک فعالیت متشکل دریک تشکیلات واحد کمونیستی نیست، اما فعالیتی است متمایز از فعالیت مستقل و یا دمکراتیک. به این معنا، پدیده انفراد و فعالیت مستقل فردی در جنبش چپ که حاصل یک دوران

تاثیر افکار بورژوازی قرار ندارد ؟ تا جایی که من میدانم رفقا به این دلیل خود را از جنبش کارگری کنار نمی کشند بلکه با فعالیت در آن می کوشند تا به آن جهت بدهند و از نفوذ افکار بورژوازی در این جنبش ها بکاهند. آیا اصولاً جنبشی می تواند کاملاً بورژوازی یا کارگری باشد؟ وقت شود که سخن از جنبش اجتماعی است با حضور طبقات، اقسام، احزاب، سازمان ها، محفل ها و فراد گوناگون. اما در هر زمان و مکان، یک سمتگیری طبقاتی، نظری خاص برآن حاکم است و در نبود یک جنبش کارگری - کمونیستی نیرومند در جامعه، معمولاً نظرات حاکم بر جنبش های اجتماعی، نظرات بورژوازی یا خرد بورژوازی است. به این بحث طولانی نمی پردازم که سوسیا- لیسم تنها براندازی مالکیت خصوصی آن هم در سطح حقوقی نیست. بلکه یک نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دیگرگونه در تمام ابعاد زندگی انسانی است. و هر جنبش مترقی می تواند گامی باشد به سوی سوسیالیسم.

اما نشست در رابطه با مسئله زنان چه باید بکند؟
ابتدا بایستی این خوش بینی را از خود دور کنیم که می توانیم از خارج کشور و در وضعیت کنوی چپ ، جنبشی را در داخل ایران هدایت کنیم. آن چه که "جنبش زنان" نامیده می شود، بایستی تعریف شود . نیرو های اجتماعی شرکت کننده آن کدام هستند؟ خواست های این جنبش چیست؟ کمبودهای آن کدام است؟ اکنون وضعیت زنان ایران در تمام زمینه ها، اعم از حقوقی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به قدری اسفناک است که محتوا موافقان درون و بیرون حکومتی، نیزبه این جنبش توجه نشان می دهند و با فعالیت مستمر نظری و عملی می کوشند تا به آن راستای مطلوب خود را بدene. اما اگرما به لزوم فعالیت در این جنبش که یکی از چندین و چند جنبش موجود در ایران است، معرفیم و اگر می خواهیم از حد شعار وکلی گویی در محدوده خاصی فراتر رویم، بایستی پس از ارزیابی های فوق، مخاطبان خود را در درون جنبش زنان روش کنیم، علاوه بر خواست های عمومی، خواستهایی را که از نظر ما بایستی متحقق شوند، مدون کنیم؛ بکوشیم راه کارهای مناسب برای دست یافتن به مخاطبان خود و ترویج این نظرات و خواست را بیابیم.

یعنی نخست بیاندیشیم، تبادل نظر کنیم، به نتیجه برسیم و آنگاه دست به عمل بزنیم.

پروین نیک آئین :

اگرخواهم بر مبنای میزان مشارکت زنان در دو اجلاس گذشته "نشست مشترک" و همچنین بر پایه اطلاعات کلی که در باره فعالین و واحد های "نشست مشترک" در کشورهای مختلف دارم قضاوت کنم، می توانم بگویم نسبت مشارکت زنان در "نشست مشترک" کمی بالاتر از میانگین مشارکت زنان در سازمان های سیاسی تشکیل دهنده این اتحاد است. اما در هر حال در "نشست مشترک" نیز زنان کمتر از یک چهارم مجموعه فعالین را تشکیل می دهند. با این توضیح کوتاه، به بخش دوم سؤال می پردازم. واقعیت این است که میزان مشارکت زنان در فعالیت سازمان یافته جریانات چپ بسیار نازل است. در این جا نمی خواهم به دلایل تاریخی فروdestی زنان و محدود بودن عرصه های اجتماعی فعالیت آنان که

من به امید رسیدن روزی هستم که جریانات متشکل چپ با بازنگری در تفکرات و شیوه های رفتاری شان چنان فضایی را ایجاد کنند که فعالین زن سوسیالیست به فعالیت متشکل در این سازمانها روی بیاورند و زنان سوسیالیست مستقل با پیوستن به چپ متشکل 'شیوه اعتراض و مبارزه منفعل علیه نارسایی ها و استباها' چپ را به مبارزه ای فعال و تعریضی تبدیل کنند.

من به امید روزی هستم که با پیوستن دو پاره این تن واحد 'جنبش چپ' بتواند بر جن بش زنان تاثیر بگذارد و این جنبش عظیم' برق و سرشاراز اترشی و شور و شوق مبارزه برای یک زندگی بهتر را به یکسره به دست جریانات بورژوازی نسبرد. آیا 'نشست مشترک' می تواند با انگشت کذاشتن بر مسله ستمجنسی' و مذهب و سرمایه که عوامل اصلی تداوم ستم جنسی هستند؟ با نقد بی رحمانه فرهنگ متحجر مردسالار نقیبی به جنبش زنان بزند؟ آیا 'نشست مشترک' می تواند دو پاره این تن واحد را به یکیگر پیوند دهد؟

رها:

با تشکر از رفقای نشریه کارکه با دامن زدن به چنین گفتگوهایی، به تقویت نشست مشترک یاری می رسانند.

در مورد سؤال نخست، راستش من نمی دانم طرح این سؤال از چه زاویه ای برای نشریه کار مطرح است و پاسخ به آن قرار است چه مسئله ای را حل کند. اگر موضوع درجه هار چوب یک کاربیزوشه شی جامعه شناسی مورد توجه قرار گفته و از نقطه نظر بررسی آماری ترکیب جنسی نیروهای درگیر در مبارزه سیاسی به طور اعم و در درون نیروهای نشست مشترک به طور اخص مطرح باشد، خوب می توان در این چهار چوب به آن پاسخ داد. اما از آن جایی که تصویر می کنم هدف نشریه کار یک چنین ارزیابی نیست، لذا تمایل ندارم به این سؤال به طور مخصوص جواب بدهم. علت آن هم این است که می تواند زمینه ساز برخی سوء تفاهمات و کج فهمی های گمراه کننده گردد.

حرکت نیروهای نشست مشترک، یک حرکت سیاسی- اجتماعی با هدف مندی های مشخص مبارزاتی است. در مورد مضمون و اهداف فعالیت این مجموعه در بحث های پلاتفرمی اخیر در بولتن مباحثات، بسیار سخن رفته و نیازی به تکرار آن نمی بینم. در درون این مجموعه اگرچه بر سر اهداف و مبانی برنامه ای و پلاتفرمی، اختلاف نظرهایی وجود دارد، با این حال به جرات می توانم بگویم همه ما براین توافق هستیم که عرصه فعالیت ما، یک عرصه مبارزه سیاسی - طبقاتی است، عرصه ای است که در آن تلاش می شود برای مشکلات و معضلات مبارزه سیاسی در جامعه، به یک رشته راهجوبی های عملی و نظری دست یافته شود. در این مجموعه سر و کار ما با احزاب و سازمان ها، جریانات و افراد کمونیست و انقلابی است که می کوشند در مبارزه عمومی که در جامعه ما جریان دارد، دخالت گر باشند و جنبش اجتماعی در ایران را در راستای اهداف واقعی اش قدمی به جلو سوق دهند. در اینجا موضوع فعالیت ما یک جنبش عظیم اجتماعی در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، باتنواع و شاخه های خاص و ویژه جامعه ما است. طبیعی است که در این عرصه عظیم اجتماعی، جنبش کارگران، زنان، جوانان و ملیت های حلقه های کلیدی هستند که نقش اساسی و تعیین کننده در سرنوشت انقلاب آتی ایران دارند. از همین رو پیوند درونی جریانات چپ و انقلابی و از آن جمله جریان نشست مشترک با این جنبش، یکی از شاخص های موفقیت وجدی بودن هر جریان سیاسی در پیشبرد اهداف مبارزاتی اش می باشد. حال سؤال این است که آیا میزان دخالت گری و تاثیرگذاری جریانات چپ و انقلابی و از آن جمله

شکست بود، اکنون پدیده ای مربوط به گذشته است. دورنمای امید بخشی که رشد جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش های اجتماعی در ایران ترسیم نموده، 'گرایش به فعالیت متشکل سوسیالیستی را دامن زده است. اما مسئله زنان فعال سوسیالیست که به صورت مستقل فعالیت می کنند، هنوز به عنوان یک پدیده به جای خود باقی است. چرا سازمان ها و جریانات متشکل چپ طی این سالها نتوانسته اند زنان مستقل سوسیالیست را که در آرمانخواهی و در مبارزه عملی برای نظامی برتر چیزی از سایرین کم ندارند، جذب کنند؟ چرا زنان که خود را سوسیالیست می دانند، به جای فعالیت متشکل سوسیالیستی، به فعالیت فردی آن هم عمدتاً بر سر مسئله زنان اکتفا می کنند؟

من اعتراض زنان سابقاً فعال در صفووف سازمان های سیاسی در رابطه با: ۱ - عدم درک حساسیت مسئله زنان توسط سازمان های چپ، وجود بقایای تفکر مردسالاری در روابط درونی جریان متشکل چپ علی العلوم را اعتراضی به حق می دانم. اما زنان چپ اکنون مستقل، یک شیوه اعتراض منفعل را در پیش گرفتند. آنها سازمان های سیاسی - به تعبیر آنها مرد سالار - را رها کردند و با خروج از این سازمان ها، خود را عمدتاً به فعالیت در رابطه با مسئله زنان - که تنها یکی از حوزه های فعالیت مرتبط با جنبش سوسیالیستی است - محدود نمودند. سازمان های سیاسی هم در برخوردار کنندی نسبت به فعالیت این زنان و به عبارت بهترین فعالیت های آنان نه تنها تلاشی برای حذف دوباره این فعالیت سوسیالیست نکردن، بلکه با محدود تر شدن مشارکت زنان در صفوشن، در عمل از جنبش زنان فاصله بیشتری گرفتند. نتیجه، وضعیتی است که امروز با آن مواجه ایم؛ جنبش زنان در ایران طی تمام سال های گذشته، پرداخته ترین و مادام ترین جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی بوده است، اما به جرات می توان گفت شناخت سازمان های چپ از این جنبش محدود تر از هر جنبش اجتماعی دیگر است. سازمان های چپ از جنبش ملی یا حتا جنبش دانش - جویی شناخت بیشتری دارند تا از جنبش زنان. زنان سوسیالیست منفرد نیز علیغم این که فعالیت شان اساساً بر روی مسئله زنان متمرکز است، نمی توانند تاثیرگذاری چندانی بر جنبش زنان ایران و بخش رادیکال آن داشته باشند چرا که خود متشکل نیستند و با جریان سازمان یافته چپ ارتباطی ندارند.

جریانات سوسیالیست پیگیر ترین مدافعان برابری زن و مرد هستند، اما مادام که این جریانات نتوانند فضای تنفسی ایجاد کنند که زنان سوسیا - لیست در صفو آنها فعالیت کنند، دفاع اشان از برابری زن و مرد و رفع تبعیض جنسی در حد یک دفاع آرمانی باقی می ماند و درهای عمیق این جریانات را از جنبش زنان جدا می کنند.

زنان مفترد سوسیالیست چگونه می توانند این تناقض را پاسخ دهند که پیش شرط برابری اجتماعی زن و مرد را نجام تحوالت سوسیالیستی می دانند، اما منفرد و مستقل اند. جنبش سوسیالیستی جنبشی است که ستون فقرات آن طبقه کارگر است و فعالیت سوسیالیستی الزاماً فعالیتی متشکل است. آحاد پراکنده فعلان سوسیالیست جزحل شدن در جنبش رفرمیستی سرنوشتی نخواهند داشت.

زنان سوسیالیست مستقل، و سازمان های سیاسی چپ دو پاره تن واحد هستند که تحت شرایط تاریخی مشخصی از یکدیگر جدا شده اند. نه زنان مستقل سوسیالیست می توانند بدون پیوند تنگاتنگ با چپ سازمان یافته فعالیت سوسیالیستی داشته باشند و نسازمان های سیاسی چپ می توانند با ساخت و بافت گنوی و در ادامه روند گنوی نقشی در رادیکالیزه کردن و متخلک کردن جنبش زنان ایفا کنند. جنبش سازمان یافته چپ متعلق به مردان نیست، همان گونه که مسئله زنان بدون پیوند بخش آکاه و پیگیر جنبش زنان با جنبش طبقه کارگر و تشكیل های سوسیالیستی حل نخواهد شد.

فرایند تاریخی است، نمی‌شود با یک رشته اقدامات مکانیکی علیه مردان و فرهنگ مردسالاری و یاد رقابت با مردان به چالش طلبید. ما در تاریخ شاهد هستیم که با پیدایش سرمایه داری و در جریان توسعه سرمایه داری در کشورهای پیش رفته، کهای تحولات بورژوا- دمکراتیک همراه بوده است، به همان نسبت که زنان توانستند نقش اجتماعی را در جامعه ایفا کنند، به همان نسبت نیز توانستند موقعیت اجتماعی خود را در ارتباط با مردان تغییر دهند. با این حال روشن است که حتاً در پیش‌رفته ترین دمکراسی‌های بورژوازی نیز برای کامل زنان و مردان وجود ندارد و در تحلیل نهایی جامعه همچنان خصلت عمومی مردسالارانه را حفظ کرده است.

برابری کامل موقعیت اجتماعی زنان و مردان تنها با برابری کامل انسان‌ها در ارتباط با وسائل تولید و شرکت آن‌ها در تقسیم کار اجتماعی ممکن می‌گردد. کمونیسم افق درخشان رهایی کامل بشریت و پایان همه نابرابری‌ها و بحقوقی‌های اجتماعی انسان‌ها و از جمله پایان اسرار و فروضی زنان در جامعه است. از همین رو در کشور - هایی که در برایر یکانقلاب بی واسطه سوسیالیستی قراردارند، جنبش اجتماعی زنان علیه هرگونه تبعیض و نابرابری‌های جنسی، به جزیی جدایی ناپذیر از جنبش سوسیالیستی عمومی طبقه کارگر تبدیل گردیده است. در این جوامع مردان و زنان کارگر و زحمتکش دوش به دوش یکدیگر برای امماء هرگونه نابرابری‌های اجتماعی و اسارت انسان‌ها مبارزه می‌کنند.

اما در کشورها که تحت حاکمیت یکی از خشن‌ترین و سیاه‌ترین دیکتاتوری - های فوق ارتجاعی تاریخ قرار دارد، جنبش اجتماعی زنان چهره دیگری دارد. رژیم جمهوری اسلامی با برقراری انسداد کامل سیاسی و سرکوب هرگونه گرایش دمکراتیک و آزادی خواهانه در جامعه و با هجوم به همان یکرشته حقوق اجتماعی صوری و محدود زنان در رژیم گذشته، تا حد تقدس برگزی زنان پیش‌رفت و به بی‌حقوقی کامل زنان، اسارت و فروضی آنان جنبه نهادی، حقوقی و قانونی بخشد. از این رو جنبش اجتماعی زنان در جامعه ما یک جنبش سرنگونی خواه است و عملنا با مسئله سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و دمکراتیزه کردن کامل جامعه گره خوده است. جنبش زنان برای احراق حقوق اجتماعی برای مردان، قبل از آن که جزیی از یک جنبش سوسیالیستی باشد، جزیی از یک جنبش عظیم اجتماعی دمکراتیک است که وسیع ترین اقسام عمومی جامعه را در بر می‌گیرد. در همین جابه سوال دوم شما می‌رسم و معتقدم که نشت مشترک با توجه به شدت و وسعت و نقش جنبش زنان در کل جنبش اجتماعی عمومی جاری در ایران، می‌باید در وهله اول با توضیح سیستماتیک و دایمی ریشه‌های نابرابری اجتماعی زنان، خصلت عمومی این جنبش و اهداف آن را در سطح هر چه وسیع تری در میان مردم تبلیغ و ترویج نماید و خط و مرز جنبش اتفاقیابی زنان به مثابه یک جنبش سرنگونی طلب را با کلیه گرایشات رفرمیستی و فمینیستی در درون این جنبش روشن گردانیده و علیه‌آنها به یک‌کار روشگرانه جدی دست زند. در عین حال پیشنهاد من نه فقط به همه زنان، بلکه به همه نیروهای نشت مشترک این است که در اجلاس عمومی آتی نشت، کمیسیونی به نام کمیسیون زنان، متشکل از کلیه گرایشات موجود در نشت مشترک (صرف نظر از جنسیت‌آنها) تشکیل گردد که وظیفه تدوین مبانی اساسی حقوق پایه‌ای زنان و تبلیغ و ترویج مستمر این مبانی اساسی پذیرفته شده را به عهده بگیرد و در جهت تاثیرگذاری، تقویت و ارتقاء جنبش زنان در داخل و خارج کشور تلاش کند.

جریان نشت مشترک در این جنبش‌ها، چه رابطه‌ای با ترکیب درونی این جریانات از نقطه نظر جنسی، ملیتی و سنی دارد؟ آیا اگر عمدۀ نیروهای نشت مشترک را مثلاً کردها و یا جوانان تشکیل می‌دادند، این بدان معنا می‌بود که این جنبش خلق کرد و یا جنبش جوانان، بیوند درونی داشته و یا به مشکلات و معضلات این جنبش پاسخ درست و انقلابی داده است؟ آیا رفاقتی کرد و یا ترک ما مجاز هستند حق دارند که به صرف نقش و اهمیت جنبش‌های ملی در مبارزات جاری در ایران، خواهان یک نقش و یا حق ویژه‌ای برای خود در چهارچوب نشت مشترک باشند؟ فکر می‌کنم پاسخ همه ما به این پرسش‌ها منفی است. همین طور در مورد زنان و جنبش زنان نیز قضیه به همین منوال است. تعداد زنان و یا نقش زنان در کارکردهای نیروهای نشت مشترک، نمی‌تواند هیچ گونه معیار و ملاک قضاوتی در مورد موضع و نقش نشت مشترک در ارتباط با مسئله زنان و جنبش زنان باشد. فعالیت در این عرصه از مبارزات اجتماعی، تاثیرگذاری بر جنبش اتفاقیابی زنان، یک مسئله برنامه‌ای است که به عرصه خط‌مشی‌ها و سیاست - ها مربوط می‌گردد و در این رابطه کاملاً علی السوبیه است که این خط مشی و سیاست‌ها به وسیله چه کسانی و از چه جنسی پیش برده شود. در حالت متعارف، معمولاً چنین است که دریک مجموعه کمونیستی افراد بر حسب میزان آگاهی و دانش سیاسی‌شان، بر حسب تشکل یکدیگر و جدی بودنشان در پیش برد اهداف تعیین شده جمعی و براساس قابلیت‌های مشخص سیاسی، اخلاقی و اجتماعی‌شان است که در جایگاه‌های مشخص قرار گرفته و در تقسیم کار درونی مجموعه، نقش و وظایف کمتر و یا بیشتر مهم و اساسی به عهده می‌گیرند. حال این که در واقعیت مشاهده می‌کنیم که تعداد زنان و یا نقش زنان در تشکلات سیاسی در مجموع و در نشت مشترک به طور مشخص کمتر از مردان است، این موضوع دیگری است که ریشه‌های تاریخی معینی داشته وارزیابی جداینهای رامی طلبکه فکر می‌کنم در شرایط کنونی با توجه به انبوه معضلات و مشکلات برنامه‌ای حل نشده که در برابر این مجموعه قرار دارد، فاقد اولویت مشخص می‌باشد. ضمن آن که معقدم که طرح این مسئله به این شکل که "نقش زنان در نشت مشترک چگونه است." می‌تواند زمینه ساز برخی تفکرات نادرست از مفهوم و مضمون برایر اجتماعی زن و مرد گشته و یک نوع تفکر مرد ستیزانه و یا رقابت با مردان را دامن زند. در این رابطه می‌خواهیم کوتاه به این نکته اشاره کنم که تسلط مردان بر زنان و یا حتاً تفکر و یا فرهنگ زن ستیزانه و مرد سالارانه بسیاری از مردان، ناشی از خصوصیات ذاتی و یا سنتی آنها نیست. این امر عوامل اقتصادی- اجتماعی دارد که پیدایش آن معلول یک شرایط تاریخی بوده است. یعنی تحولی که در شرایط اقتصادی اجتماعی انتقامات بشري رخ داد که درنتیجه‌آن موقعیت اجتماعی زنان در قیاس با مردان به تدریج تنزل یافت، تا آن جا که جامعه تسلط مردان بر زنان را رسمیت بخشد. از همین رو تغییر موقعیت زنان از یک موقعیت فروضی به یک موقعیت برابر با مردان، تنها در مبارزه با مردان، تنها در مبارزه با فرهنگ مرد سالاری پیش برده نمی‌شود. مدام که زنان نقش فعالی در فرآیند - های زندگی اقتصادی اجتماعی و سیاسی در جامعه ایفا نکنند، مدام که زنان پا به پای مردان در پذیرش مسئولیت‌های خلیج اجتماعی شرکت نکنند، هیچ چشم اندازی برای تغییر موقعیت زنان در جامعه قابل تصور نیست. جامعه مرد سالار شد، دقیقاً به این دلیل که مردان نقش اصلی را در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی جامعه بر عهده گرفتند و زنان در چهار دیواری خانه و زندگی خانوادگی و نگهداری از کودکان محبوس گردیدند. این رابطه اجتماعی را که یک

خبر کارگری جهان

* اعتصاب معنچیان لهستان

بازنوبت به معنچیان لهستان رسیده است که طعم تلخ اخراج و بیکاری را تجربه کنند. دولت این‌کشور، تحت فشار پارلمان اروپا، باید تعداد بیشتری از معادن ذغال سنگ این کشور را به بهانه "زیان دهی" تعطیل کند. به این ترتیب تا پایان سال ۲۰۰۶ میلادی، بیش از ۲۵ هزار کارگر کارخود را لذست داده و به صفت بیکاران می‌بیوندند. اگر سرمایه داران اروپا با این کارتلایش دارند که نقش دولت در اقتصاد را به حداقل ممکن کاهش دهند، اما هزاران معنچی این کار را تلاشی جنایت کارانه علیه خود و زنان و کودکان خود می‌دانند. چرا که در این کشور هیچ خبری از تامین اجتماعی نیست و بیکاری چیز دیگری جز فقر، گرسنگی و تباہی روحی و جسمی برای این کارگران و خانواده‌های آنها نخواهد بود. این‌ها واقعیات روزمره هزاران اخراجی در کشورهای اروپای شرقی است. و معنچیان لهستان نیز قطعاً استثنای براین قاعده نخواهند بود. در این شرایط است که اتش‌مبازه برای زندگی در میان معنچیان شعله گرفته است. روز ۲۶ سپتامبر، هزاران نفر از کارگران معن در جنوب لهستان برای چهارمین بار در این ماه دست به یک اعتصاب یک روزه زندن. کارگران در این روز راه‌های ارتباطی به ۱۶ معن منطقه Katowice را مسدود کردند. کارگران راه آهن دولتی لهستان هم در همبستگی با معنچیان این کشور در همین روز به مدت ۳ ساعت از حرکت تمام قطارهای مسافری و باری جلوگیری نموده و از مقامات دولت خواستار توقف تعطیلی معادن این کشور شدند.

جاری ۱۱۶ هزار نفر بوده است و در حال حاضر ۱۲۰ هزار است که تا پایان سال جاری به ۱۵۰ هزار نفر افزایش می‌یابد. کاظمیان در ادامه سخنان خود گفت، سال گذشته با اجرای طرح تغییرساختار در سطح ۴۷ کارگاه، ۱۸۲۵۴ تن از کارگران زیر پوشش صندوق قرار گرفتند که از این تعداد ۳۴ کارخانه با ۱۵۵۴۸ کارگر، مربوط به صنایع نساجی بود.

* اجتماع اعتراضی فرهنگیان

روز های ۲۷ و ۲۸ شهریور ماه، یک همایش ازتشکل‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور، در شهر همدان برگزار گردید. در این همایش که تشکل‌هایی از تهران، اصفهان، رشت، کرمانشاه، شیراز، آستانه اشرفیه، یزد، مشهد و همدان حضور داشتند، از عملکرد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی دربخش آموزش و پژوهش و نگرش آن به مقوله آموزش و پژوهش انتقاد به عمل آمد. مدیرکل "قانون صنفی معلم‌ان ایران" درگفتگو با خبرنگار ایلنا چنین اعلام کرد که روز ۱۳ مهر، معلم‌ان ایران به یک آکسیون اعتراضی سراسری دست خواهند زد و از طریق تجمع در ادارات آموزش و پژوهش، نسبت به حقوق پایمال شده خویش اعتراض خواهند کرد.

* تجمع اعتراضی دانشجویان

دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، در اعتراض به احکام صادره از سوی کمیته انضباطی و محروم ساختن شماری از دانشجویان از یک تزم و دو ترم تحصیل، از صبح روز دوشنبه هفتم مهر ماه، در برابر ساختمان مرکزی دانشگاه، دست به تجمع و تحصن زدند. دانش‌جویان اعلام کردند تا لغو کامل این احکام، به تحصن ادامه خواهند داد.

* دو خبر کوتاه

- روزنامه همشهری از قول داوود آهنگران رئیس اتحادیه نساجی نوشت که فقط در تهران ۱۱۰ کارخانه نساجی تعطیل و ۱۶۰۰ نفر بیکار شده‌اند.

- با فر امامی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس ارتجاع درگفتگو با این‌نا اعتراف کرد که دولت رقم واقعی آمار بیکاران را اعلام نمی‌کند. وی گفت، آمار واقعی بیکاران کشور ۵ تا ۶ میلیون نفر است.

خبری از ایران

- خانه‌ای خیر، به همین دلیل تعطیل و کارگران آن بیکار شده‌اند. کارگران چاپ نسبت به این مسئله اعتراض دارند. هم‌اکنون کارگران این چاپخانه هادر معرض بیکاری‌اند. نسبت به آینده شغلی خود نگرانند و خواستار ضمانت شغلی می‌باشند.

* ضرب و شتم کارگران مجتمع مسکونی

بیش از ۲۰۰ تن از ماموران شهرداری منطقه دو تهران، طی یک هجوم وحشیانه به مجتمع مسکونی فرهنگیان که از قبل برنامه ریزی شده بود، ساکنین این مجتمع و نیز کارگرانی که در این مجتمع مشغول به کار بودند را به شدت مورد ضرب و شتم قراردادند. مامورین شهرداری ضمن وارد ساختن خسارات مالی به اموال معلم‌ان این مجتمع، دهها نفر را نیز مجرح و زخمی ساختند که برخی از آنها به بیمارستان منتقل شدند.

* اعتراض سراسری پرستاران

روز شنبه ۲۹ شهریور، پرستاران کشور، در اعتراض به متحقق نشدن مطالبات خود، دست به اعتراض زدند. در این روز پرستاران بانصب اتیکت بر روی سینه خود، مطالبات پرستاران را اعلام و یادآوری نمودند و برخواست ها و حقوق مشترک پرستاران تاکید کردند. از جمله این خواست‌ها، افزایش حقوق و دستمزد، کاهش ساعت‌کاری، کاهش بیکاری، متوقف کردن اجرای ماده ۱۹۲ در رابطه با خصوصی سازی خدمات پرستاری، رفع تبعیض در پرداخت کارانه به پرستاران و لحظه کردن عنوان کارشناسی در احکام حقوقی و کارگزینی دارندگان مدرک کارشناسی، می‌باشد. تهران، گناباد، همدان از جمله شهرهایی است که خبر اعتراض پرستاران آن، در رسانه‌های گروهی به اختصار انعکاس یافت.

* بیکارسازی ادامه دارد

حسین کاظمیان، مدیرکل امور فنی بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی به خبرگزاری این‌نا گفت: با تصویب قانون نو سازی صنایع در مراحل اولیه، احتمال بیکاری ۳۰ هزار کارگر وجود دارد. وی اضافه کرد که آمار افراد تحت پوشش صندوق بیمه بیکاری در ابتدای سال



به اشغال عراق پایان دهدید . . .

اختصاص هزینه‌های نجومی نظامی دولت، به امر گسترش مراکز آموزشی، ایجاد اشتغال و بهبود شرایط زندگی مردم شدند. سازمان دهنگان اعتراضات شهر لندن، ازتظاهر کنندگان دعوت نمودند که دراعتراضاتی که به مناسبت سفر جورج بوش در ماه نوامبر در این شهر برگزار خواهد شد، شرکت کنند.

در پاییخت یکی از کشورهای اروپایی متعدد جورج بوش در جنگ با عراق، یعنی اسپانیا هم‌هزاران نفر در خیابان‌ها راه پیمایی کردند و خواهان استعفای فوری رئیس جمهور این کشور شدند. در اینجا هم تظاهر کنندگان از دولت خواستند که بیش از ۱۳۰۰ سرباز حافظ صلح اسپانیا را به فوریت به اسپانیا برگردانند.

در سؤل پاییخت کره جنوبی، مخالفان جنگ به خیابان‌ها آمدند و پس از راهپیمایی در خیابان - های مرکزی شهر در مقابل سفارت آمریکا تجمع نمودند. تظاهر کنندگان ضمن مخالفت با اشغال نظامی عراق، با اعزام سربازان ارتش کره جنوبی که به تازگی از سوی دولت آمریکا مطرح شده است مخالفت نمودند.

در ترکیه هم دو شهر استانبول و آنکارا شاهد اعتراض مخالفین جنگ و اشغال نظامی عراق توسط امپریالیست‌ها بود. علاوه بر این تظاهر کنندگان مخالفت خود را با تلاش‌های دولت مبنی برگسیل ارتش ترکیه تحت عنوان "نیروهای حافظ صلح" به مناطق شمال عراق اعلام نمودند. در تظاهرات شهر استانبول، بترجم امپریالیسم آمریکا به آتش کشیده شد و تعدادی از تظاهر کنندگان توسط پلیس دستگیر و روانه زندان شدند.

علاوه بر این در شهرهای پاریس، آتن، وین و برلین نیز مخالفان جنگ و اشغال عراق باربیانی تظاهرات، مخالفت خود با امپریالیست‌ها و همبستگی خود را با مردم ستمدیده عراق به نمایش گذاشتند.

در همین حال جنبش ضد جنگ در حال تدارک بر گزاری یک حرکت اعتراضی جهانی با شعار "به اشغال نظامی عراق پایان دهید، سربازان ارتش را به خانه برگردانید" است که روز ۲۷ اکتبر انجام خواهد گرفت. در عین حال اعتراضات روز ۲۷ اکتبر امسال، یادآور تظاهرات جهانی ضد جنگ است که در روز ۲۵ اکتبر سال گذشته در بیش از ۱۲۰ شهر جهان برگزار شد که صدها هزار نفر در آن شرکت کردند و به امپریالیست‌ها نشان دادند که وجود بشریت بیدار است و تنها راه توقف جنگ و کشتار و خونریزی مردم جهان مقابله‌مستقیم و آشکار با جنگ‌طلبان امپریالیست است.

پادگان‌های ارتش و حاتا صحت از اعزام سربازان "گارد ملی" آمریکا به خاک عراق است. در این میان اما میلیون‌ها انسان مخالف جنگ و غارت گری امپریالیست‌ها بیکار نشسته و از آغاز اولین زمزمه‌های جنگ‌طلبانه امپریالیست - ها با تمام توان به مقابله با اقدامات جنایت کارانه آنان برخاستند. هرچند نقطه‌آغاز جنبش عظیم ضد جنگ، آمریکا بود، اما مدتی نگذشت که کمیته‌های محلی این جنبش در تمام شهرهای بزرگ و کوچک جهان شکل گرفت و این نقطه آغاز یک رشته اعتراضات جهانی بود که نقطه اوج آن بدون شک تظاهرات ۱۵ فوریه امسال بود که بیش از ۱۵ میلیون نفر در سراسر جهان به خیابان‌ها آمدند و اعتراض خود به جنگ امپریالیست‌ها در عراق را به نمایش گذاشتند. اکنون یک سال پس از سخن رانی های پر سر و صدای جورج بوش، اوضاع تغییر کرده است. طنز تاریخ کار را به جایی رسانده که رئیس جمهور آمریکا، که زمانی سرمست از جنون قدرت صحبت از "بی مصرف" شدن سازمان ملل می نمود، باید روز ۲۳ سپتامبر از تربیتون شورای امنیت تمام کشورهایی قدرتمند جهان را به نمایش گذاشتند. این سخنان رهبر امپریالیست‌ها آشکارا نشان از شکست طرح اشغال فوری عراق و چیاول شوთ‌های این کشور دارد. اگر زمانی امپریالیست‌ها تبلیغ می کردند که وظیفه آنها به محض سرنگونی رژیم دیکتاتور عراق به پایان خواهد رسید، اکنون باید نقش اشغالگران نظامی این کشور را برای مدتی نامحدود ایفا نمایند و این هم زمینه‌های عینی رشد نارضایتی در تمام کشورهای موافق جنگ را هم فراهم آورده است. انعکاس این نارضایتی را می توان در رشد مجدد جنبش ضد جنگ مشاهده نمود. نخستین حرکت جهانی پس از پایان جنگ این بار برای اعتراض به اشغال نظامی عراق و فلسطین و برای بازگرداندن سربازان ارتش به خانه‌های خود همچون سال گذشته در روزهای ۲۷ و ۲۸ سپتامبر، که سومین سالروز آغاز مبارزات مجدد مردم فلسطین علیه اشغالگران صهیونیست است، انجام گرفت. مرکز این اعتراضات شهر لندن بود. در این جاده‌ها هزار نفر به خیابان‌های شهر لندن آمدند و ضمن افشاء تبلیغات دروغ دولت این کشور خواهان استعفای فوری توئی بلر شدند. تظاهر کنندگان خواهان بازگردان سربازان انگلیسی از عراق و

ازصفحه ۳

دوآستانه اجلاس سوم نیروهای کمونیست و چپ

کماعلام کرده‌ایم خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی، در هم‌شکستن ماشین‌دولتی بورژوازی، حکومت کارگری و استقرار یک دولت شورایی هستیم، باید در پلاتفرم خود بیان مشخصی به آنها دهد. این پلاتفرم یکی از ضروریات اتحاد است. بدیهی است که بر هر اتحادی ضوابط و مناسباتی حاکم است. باید از طریق یک آئین نامه یا اساسنامه ضوابط و مناسبات را مشخص سازیم. این اتحاد همچنین باید نام مشخصی داشته باشد که منطبق بر مضمون پلاتفرم و اساسنامه آن باشد. و بالاخره نیرو-هایی که پای این استاد را امضاء می‌کنند، خود را موظف به اجرای آنها بدانند.

اکنون پس از گذشت دو سال از اجلاس نخست، همگان واقف اند که دیگر ادامه کار به روای گذشته ممکن نیست. اجلاس سوم هر تصمیمی که اتخاذ کند، در واقع سرنوشت این اتحاد را مشخص کرده است.

بدیهی است که هرسازمان و فردی که با احساس مسئولیت به مسائل جنبش کمونیستی، کارگری و چپ برخورد می‌کند، باید تلاش کند که این تصمیم مبتنی بر آینده و چشم انداز روشی برای اتحاد باشد.

سازمان ما نیز به سهم خود تلاش خواهد کرد که تصمیمات اجلاس سوم بر بن‌بست موجود غلبه کند و موجب شکل‌گیری، استحکام و رشد و ارتقاء اتحاد نیروهای چپ و کمونیست‌گردد. راهی نیست جز این که همه ما متحداً اقدام کنیم و تلاش نمائیم تا اتحادی شکل بگیرد که بتواند نقشی فعلی در مبارزه طبقاتی و تحولات سیاسی آتی ایران داشته باشد.

کمک‌های مالی رسیده

کانادا- و نکودر

| | |
|----------------|-------|
| ۲۰ دلار کانادا | ستاره |
| ۲۰ دلار کانادا | سبلان |

در کارشماره ۴۱۲، کد کمک مالی از سوییں نیما و آیدا (به یاد بیشتر مجنون) می باشد که بدین وسیله اصلاح می شود!



زنده با دمکراسی شورائی

توده های مردم ایران از دیکتاتوری و استبداد جمهوری اسلامی به ستوه آمد و خواهان دمکراسی هستند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از عالیترين و کامل ترین شکل دمکراسی برای مردم ایران یعنی دمکراسی شورائی دفاع میکند.

در دمکراسی شورائی، قدرت سیاسی درست خود توده های زحمتکش مردم و نمایندگان واقعی منتخب آنهاست.

در دمکراسی شورائی، توده های مردم از طریق شوراهایی که به عنوان نهاد های مقننه و مجریه عمل میکنند، مستقیماً اعمال حاکمیت مینمایند.

در دمکراسی شورائی، سیستم انتصابی مقامات برخواهد افتادو اصل انتخابی و قابل عزل بودن کلیه مقامات حاکم خواهد شد.

در دمکراسی شورائی، نمایندگان مردم موظف اندیه مولکلین خود حساب پس بدند و هر لحظه که انتخاب کنندگان اراده کنند، میتوانند آنها را معزول نمایند.

در دمکراسی شورائی، این رسم متداول موجود که به نمایندگان و مقامات کشوری و لشکری حقوق و مزایای کلانی پرداخت میگردد، ملغاً خواهد شد و آنها نیز حقوقی برابر با متوجه دستمزد یک کارگر ماهر دریافت خواهند کرد.

در دمکراسی شورائی، ارگانهای نظامی وانتظامی سرکوبگر و جدا از مردم منحل میشوند و تسلیح عمومی خلق و ارتش توده ای جایگزین آنها خواهد شد.

در دمکراسی شورائی، سیستم قضائی موجود نیز منحل میگردد و دادگاههای خلق ایجاد خواهد شد.

در دمکراسی شورائی، عالی ترین ارگان حکومتی، کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا خواهد بود.

سازمان فدائیان (اقلیت) کار - فان - آزادی - حکومت شورائی

دفاع کنیم و اگر آنها تمایلی داشتند که برسر مسائل مشخص یک اقدام مبارزاتی مشترک داشته باشند، ما به هیچوجه مجاز نخواهیم بود' ازمووضع مان کوتاه بیاییم.

این که سازمان های دیگری که با آنها اتحاد عمل پایدار دارند، چه باید بکنند' مسئله ای مربوط به خود آنهاست. ما نمی توانیم برای سازمان های دیگر تعیین تکلیف کنیم . اما طبیعتاً انتظار این است که این گرایشات را افشاء کنند.

و سرانجام این که آیا ضروری است که سازمان ما موضع جدیدی در مقابل دو سازمان مورد اشاره اتخاذ کند، مسئله ای مربوط به ارگانهای تصمیم گیرنده سازمان است، بتایراين نشريه کار در این مورد تصمیم گیرنده نیست.

که رفقا در نامه خود مطرح کرده اند' پاسخ دادیم . بدیهی است که سازمان ما باید این سیاست ها را افشاء و ازمنافع واقعی مردم تحت ستمکردستان دفاع کند. توضیح دهد که امپریالیسم جز جنگ، کشتار، ویرانی' اسارت و غارت چیزی عاید شمانخواهد کرد. تنهاطبقه کارگر ایران که دربرگیرنده کارگران تمام ملیت های ساکن ایران است' خواهان پایان بخشیدن به ستم ملی و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای خلق تحت ستمکرداست.

بدیهی است که فعالین سازمان در سوئیس نیز باید ازمووضع پرولتاری و انترناسیونالیستی با مسئله جنگ امپریالیستی' بامسئله ملیت های برخورده کنند. ما باید قاطعانه از موضع خود

پاسخ به سوالات

از سربازان آمریکایی بسیج نمود. ممکن است در این میان چیزی عاید حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنه شده باشد که حتماً شده است ، اما چیزی عاید مردم روش نتر دیده کردستان خواهد شد. از روزهای روش نتر است که یک قدرت امپریالیست که تمام موجودیت اش بر ستمگری' استثمار و کشتار بنا شده است' هرگز نمیتواند حامی مردمی باشد که اسارت و ستم کنونی آنها نیز نتیجه سیاستی امپریالیستی است که سال ها پیش بر این مردم ستمیده تحمل شد. امپریالیسم استفاده خود را خواهد کرد و سیاست اش را هم پیش خواهد برد و بعد هم این توده زحمتکش مردم کرد هستند که همچنان درین اسارت و ستم باقی خواهد ماند. تا زمانی که جنبش مردم کردستان تحت رهبری این جریانات بورژوازی باشد ، همواره مردم کردستان قربانی بند و بست های این رهبران با قدرت های منطقه ای و جهانی باقی خواهد ماند. این ماجراهای ست که اکنون ساله است ادامه دارد.

در کردستان ایران البته وضع تا حدودی به علت سطح بالاتر آگاهی مردم و نفوذ گرایشات چپ متفاوت است. امداد این جا نیز یک نیروی محلی و منطقه ای که البته دقیقاً به علت محلی و منطقه ای بودنش به ناگزیر سازمانی بورژوا یا خرد بورژواست' افق دیدش از محدوده کردستان فراتر نمی رود و چون در این محدوده قادر نیست به تنها یک کاری را از پیش ببرد' لذا هر لحظه مستعد سازش و بند و بست با قدرت های حاکم در ایران' قدرت منطقه ای و یا بین المللی است. بتایراین عجیب و غریب نیست که از حزب دمکرات بشنویم' اشغال خلق های کشورهای دیگر نور امیدی است در دل خلق های محروم منطقه. همان گونه که عجیب و غریب نبود' رهبران این حزب با جمهوری اسلامی به پای مذاکرات سازش بروند. این نه فقط از ماهیت بورژوازی حزب دمکرات کردستان ایران بلکه از خصلت محدود و منطقه ای حیطه فعالیتش ناشی می گردد. سازمان زحمتکشان کردستان نیز تازه دارد گام در جایی می گذارد که حزب دمکرات کردستان ایران سال ها پیش گذارد است. اما چنان چه همین مسیر محلی گرایی و ناسیونالیسمی را که در پیش گرفته ادامه دهد' ناگزیر است به علت اوضاع جهانی و منطقه ای با سرعت بیشتری در مسیر حزب دمکرات گام بردارد . روش است که در این صورت کردستان دیگر نیازی به دو حزب دمکرات نخواهد داشت. اوضاع کردستان ایران متفاوت - تر از آن است که این سازمان بتواند نقش اتحادیه میهنه را در مقابل حزب دمکرات کردستان ایران بر عهده گیرد.

با این توضیح در واقع به بخشی از سوالاتی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourse
75015 Paris
France

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد موردنظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

آلمان

اطریش

دانمارک

سوئد

سوئیس

فرانسه

کانادا

شماره های فکس**سازمان فدائیان (اقلیت)**

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۲۲

پاسخ به سوالات

فعالین سازمان درسوئیس با ارسال نامه ای برای نشریه کار سؤالاتی را مطرح کردند و خواسته اند که در نشریه به این سؤالات پاسخ داده شود. ابتدا این نامه را کهندکی خلاصه شده است می آوریم.

با درودهای رفیقانه !

حزب دمکرات کردستان و سازمان رحمتکشان کردستان ایران نمی خواهند همان نقشی را در ایران بازی کنند که بارزانی و طالبانی در عراق در اتحاد با امپریالیسم آمریکا ایفا نمودند.

آیا در موضع سازمان نسبت به جریاناتی از این دست تغییراتی متصور خواهد بود؟

چ - پیش از آن که به سؤالات مطرح شده پاسخ گوئیم، اشاره ای به این نکته ضروری است که هر تحول سیاسی مهم در عرصه جهانی، منطقه ای و داخلی، می تواند تاثیراتی کوچک و بزرگ بر سازمان های سیاسی و موضوع گیری آنها داشته باشد و منجر به جایه جایی هایی در صفت -

بندی های سیاسی و طبقاتی گردد. طبیعتاً در اینجا آن چه که تعیین کننده است، ماهیت طبقاتی احزاب و سازمان هاست. در جریان جنگ امپریالیستی آمریکا و انگلیس در عراق دیدیم در حالی که کارگران جهان و بخش وسیعی از توده های مردم کشورهای مختلف علیه جنگ و سیاست های توسعه طلبانه و تجاوز کارانه امپریالیستی به پا خاستند، حتاً در میان نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی، سوای سلطنت طلبان که وضعیت شان روشن است، افراد و جریاناتی هم پیدا شدند که خود را دمکرات و سوسیال دمکرات می نامند، اما با این بهانه و توجیه که این یک جنگ برای آزادی مردم عراق از یوغ دیکتاتوری صدام است، از جنگی توسعه طلبانه و امپریالیستی که چیزی جز کشتار، فقر و اسارت نصیب توده مردم عراق نکرد، پشتیبانی نمودند.

در خود عراق هم وضع بر همین منوال بود. استدلال حزب شیوعی عراق که کمیه حزب توده ایرانی است نیز ارجحیت از همین دست بود. در کردستان عراق نیز سازمان هایی که رهبری جنبش را در دست دارند، با حرارت بیشتری از این جنگ دفاع نمودند. حالا اگر در دیگر مناطق عراق کسی از توده های مردم پیدا نشد که با دسته گل از اشغال گران امپریالیست استقبال کند، اتحادیه میهنی عراق بدرباری جبال طالبانی خوش خدمتی را به آنها رساند که عده ای از مردم کردستان راهم برای استقبال

در جلسه ای که در تیر ماه ۱۳۸۱ با شرکت نمایندگان شورای دمکراتیک ایرانیان (مقیم سوئیس)، حزب دمکرات کردستان، سازمان رحمتکشان کردستان ایران (کومله)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در سوئیس جهت تدارک و سازماندهی تظاهراتی در حمایت از جنبش دانشجویی ایران صورت گرفت، نماینده فعالین اقلیت شاهد برخورد ها، اظهار نظرها و موضوع گیری هایی از طرف دو جریان حزب دمکرات کردستان کردستان ایران می گردد که برای او اصولاً غیر قابل تصور بوده است. این رفیق علاوه بر مشاهده برخورد های غیر دمکراتیک و توتالیتی این دو جریان که مصراحت خواستار کوبیدن مهر خود و هدایت و رهبری جزء حرکت اعتراضی بوده اند، با کمال تعجب مطلع می گردد که آنها با آوردن بندی در قطعنامه مبنی بر "عدم دخالت بیگانه در امور ایران" مخالفند.

نمایندگان حزب دمکرات کردستان و سازمان رحمت کشان در برابر اعتراض نمایندگان جریانات دیگر اظهار می دارند که "این بند برای مامشک ساز خواهد شد!! پس از گفتگو های طولانی، اعتراضات و مقاومت جریانات دیگر و حتا تهدید آنها به لغو حرکت مشترک، بالاخره نمایندگان این دو جریان می پذیرند که علی رغم میل خود، بندی با این مضمون در قطعنامه گنجانده شود.

اکنون سؤال همه هوا داران و فعالین سازمان در سوئیس این است که موضع یک جریان کمونیستی و یا انتقامگیری در برابر جریاناتی که آشکارا موافق دخالت امپریالیسم جهانی در منطقه و در کشور ایران می باشدند چیست؟ آیا

صفحه ۷

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiyan-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaiyan-minority.org>

Organization Of Fedaiyan (Minority)

No.414 oct 2003

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی